



سه گام اساسی برای تحقق اسلام‌شناسی تفقهی و تحقیقی

خسروپناه ضمن اشاره به اینکه مأموریت اصلی روحانیت، اسلام‌شناسی تفقهی و تحقیقی است، به مراحل دستیابی به این مأموریت اشاره کرد.

خسروپناه ضمن اشاره به اینکه مأموریت اصلی روحانیت، اسلام‌شناسی تفقهی و تحقیقی است، به مراحل دستیابی به این مأموریت اشاره کرد.

به گزارش ایکن؛ نشست علمی «گام‌های اسلام‌شناسی تفقهی و تحقیقی» روز گذشته، ۱۳ آبان ماه، با سخنرانی حجت الاسلام خسروپناه در مدرسه امام علی بن موسی الرضا(ع) برگزار شد.

وی در این نشست اظهار کرد: مأموریت اصلی روحانیت دو چیز است؛ یکی اسلام‌شناسی تفقهی و یکی اسلام‌شناسی تحقیقی است. اولاً روحانیت باید اسلام‌شناسی را از منابع بفهمد، بعد تلاش کند اسلام در جامعه تحقق پیدا کند. شاید آیه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» هم بر همین مطلب دلالت کند که عده‌ای باید تفقه در دین کنند و اسلام‌شناسی اجتماعی داشتند بعد هم باید قومشان را انداز بدهند و با مردم ارتباط برقرار کنند. این انداز در مقابل تبشیر نیست، یعنی مطلق بیان احکام الهی که ممکن است برخی انداز باشد و برخی تبشیر باشد. به هر حال باید دین را به مردم معرفی کنند تا مردم تقوا پیشه کنند. تفقه دین برای این است که مردم تقرب به دین پیدا کنند. آغاز کار یک عالم تفقه در دین است و انجامش تقرب مردم به دین است. پس این مأموریت روحانیت است که باید انجام شود.

حجت الاسلام خسروپناه افزود: برای این مأموریت باید سه گام را طی کنیم. گام اول گام منبع شناخت است یعنی یک عالم دین باید تلاش کند منابع اسلام‌شناسی را خوب بشناسد. منابع اسلام‌شناسی تفقهی سه چیز است: عقل و قرآن و روایات. بنابراین باید این سه منبع را بشناسیم. این سه منبع را چگونه بشناسیم؟ علوم عقلی و قرآنی و حدیثی لازم است. اگر کسی روی این سه دسته از علوم کار کند منابع اسلام‌شناسی در اختیارش هست. علوم عقلی چیست؟ علوم عقلی متعدد است. من دو علم را کلیدی می‌دانم که طلبه‌ها باید آن را جدی‌تر فراگیرند و آن منطق و معرفت‌شناسی است. منطق اشکال استدلال را به ما یاد می‌دهد، معرفت‌شناسی محتوای استدلال را.

وی با ابراز تأسف از اینکه منطق در حوزه‌های جدی گرفته نشده است، گفت: باید برای این مسئله تدبیری کرد. بسیاری از شبهاتی که امروزه در دنیا وجود دارد ناظر به معرفت‌شناسی است. در غرب دو مکتب فلسفی رایج است: فلسفه تحلیلی و اگزیستانسیالیسم که هر دو سر از نسبی‌گرایی معرفتی درآوردند. چرا؟ برای اینکه متافیزیک را کنار گذاشت. عقبه منطق و معرفت‌شناسی متافیزیک است. پس در علوم عقلی باید این دو حوزه را جدی بگیریم و الا اگر در این حوزه ضعیف بشویم حتی یک عالمی که سال‌ها در حوزه درس خوانده است و درس داده است نمی‌تواند یک شبهه اولیه معرفت‌شناسی را حل کند.

مدرس حوزه و دانشگاه تصریح کرد: دسته دوم علوم قرآنی است. از مهمترین منابع ما قرآن است که متأسفانه خیلی مواقع نسبت به آن کوتاهی کردیم. قرآن یک اقیانوس عمیقی از معارف است. علوم قرآنی مثل بحث ناسخ و منسوخ، آیات محکم و متشابه، بحث جامعیت قرآن، بحث روش‌شناسی علوم قرآنی بسیار مهم است و اگر این مباحث را در گام اول درست طی نکنیم ممکن است فردا یک شبهه بشنویم که زبان قرآن استعاری است و نتوانیم به آن پاسخ بدهیم. در تفسیر المنار این حرف‌ها را می‌بینید که برخی آیات را نمادین گرفتند، چون مسئله زبان قرآن برایشان حل نشد. دسته سوم علوم حدیثی است. اگر این را هم حل نکنیم، بعداً دچار خطاهایی می‌شویم که برخی مبتلا شدند. چرا برخی قرآنیون شدند و حدیث را کنار زدند چون علوم حدیثی کار نکردند. پس این گام اول است. اگر بخواهیم به آیه نفر عمل کنیم و اسلام‌شناسی تفقهی داشته باشیم، گام اول منبع شناخت است.

وی در ادامه یادآور شد: گام دوم معرفت و شناخت نسبت به استخراج نظامات معرفتی از قرآن و روایات و عقل است. بعد که منابع دست ما آمد و توان اسلام‌شناسی پیدا کردیم، صرف درس دادن کفایت نمی‌کند، بلکه باید نظامات معرفتی را از منابع استخراج کنیم. اگر کسی از ما سوال کند که نظام معرفتی رفتار فردی در اسلام چیست، نظام معرفتی خانواده در اسلام چیست و ... باید بتوانیم پاسخ بدهیم. نمی‌خواهم بگویم در این زمینه کار نشده است. خیر، بزرگان زیادی زحمت کشیدند، اما اگر شهید مطهری الآن در قید حیات بود، به همین کتاب نظام زن در خانواده بسنده می‌کرد؟ آیا ناظر

به پرسش‌ها امروز در مورد زن و خانواده اثر جدیدی نمی‌نوشت؟

خسروپناه ادامه داد: گام سوم کشف نظامات ساختاری است. فرضاً منابع را شناختیم، علوم ناظر به منبع شناختی را به دست آوردیم و از منابع، نظامات معرفتی استخراج کردیم. حالا باید نظامات ساختاری را کشف کنیم؛ یعنی نظامات معرفتی چگونه در ساختار عینی اجتماعی پیاده بشود. انجام این مأموریت کار علمی می‌خواهد، نه اینکه بروید در سمت‌های اجرایی مشغول به کار شوید. حکمرانی فرآیندی است که سه رکن اساسی دارد: سند نویسی، قانون نویسی و ایجاد ساختار و سازمان. باید از نظام معرفتی خانواده سند خانواده اسلامی نوشته شود، بعد قانون نوشته شود، بعد سازمانش تعریف بشود؛ یعنی مثلاً نظام معرفتی تعلیم و تربیت را بنویسیم، بعد سند تعلیم و تربیت نوشته شود، بعد دنبال تقنین باشیم، بعد دنبال ساختار سازمانی باشیم.

وی افزود: چرا در آموزش و پرورش آمدند سند ۲۰۳۰ را امضا کردند و ابلاغ کردند. سند ۲۰۳۰ هفده هدف دارد که ظاهرش قشنگ است، اما اگر کسی میانی فکری آن را بداند، می‌فهمد مثل یک انسان زشتی است که با آرایش او را زیبا کردند. من اخیراً در سازمان پژوهش‌های وزارت آموزش و پرورش یک سخنرانی داشتم و توضیح دادم مشکل این سند کجاست. سؤال من این است چرا سند تعلیم و تربیت که از سوی انقلاب فرهنگی نوشته شد، ذره‌ای به سمت عملیاتی شدن نرفت، اما بلافاصله سند ۲۰۳۰ تصویب و ابلاغ شد؟ برای اینکه ما به سندنویسی بسنده می‌کنیم. سند دانشگاه اسلامی هم همین وضعیت را دارد.

حجت الاسلام خسروپناه با بیان اینکه ساعت‌ها وقت گذاشتیم تا این سند نوشته و در انقلاب فرهنگی تصویب شد، اظهار کرد: ببینید چند تا رئیس دانشگاه این سند را خوانده است؟ رئیس شورای اسلامی شدن خود وزیر علوم است. نمی‌گویم در دانشگاه قدمی برداشته نشده است. یک زمان در دانشگاه کسی جرئت نمی‌کرد نماز بخواند، ولی الآن در دانشگاه‌ها نماز جماعت برگزار می‌شود و کارهای فرهنگی بسیاری برگزار می‌شود، اما این کارها جزیره‌ای است و سند تبدیل به تقنین نشد. بعد این قوانین ساختارسازی نشد. چرا نشد؟ برای اینکه کار علمی آن را نکردیم.